

تلاش اصلاح طلبان رادیکال برای دوقطبی سازی جامعه ادامه دارد

کاسببان ترس مشغول کارند

شاید قبل ترها کمتر به چشم می آمدند، اما امروز که دوباره چالش میان ایران و آمریکا به اوج خود رسیده است، صاحبان ایده کوتاه آمدن، دوباره به چشم می آیند؛ کسانی که به روش های مختلف نه تنها تامین کننده منافع ملی ما و کمک کننده به حل چالش و پایان درگیری میان ایران و آمریکا نیستند بلکه باعث افزایش فشارها، تشدید تحریم ها و حتی افزایش اثربخشی آنها می شوند.

ناچاریم بگوئیم در کشور کسانی هستند که هر بار میان ایران و آمریکا چالش بالا گرفته، رای به عقب نشینی داده اند، حالا عقب نشینی می تواند مصادیق مختلفی هم داشته باشد؛ یکبار معامله یک طرف است، بار دیگر توافق نسبی و یک بار هم آغاز مذاکره زیر فشار و تهدید و زور. این جماعت یک بار در سال ۹۱ با القای اینکه در آستانه جنگ نظامی و فروپاشی اقتصادی قرار داریم، همچون موریانه پایه های مقاومت در برابر آمریکا را خوردند و حالا هم با جلوگیری از ترامپ با پس کشیده اند که با مجبوریم با آمریکا بجنگیم یا تن به مذاکره دهیم. ناگفته نماند که مدافعان این ایده الزاماً متعلق به یک پایگاه سیاسی و اجتماعی نیستند و حداقل دو یا سه خاستگاه دارند، اما به هر حال نتیجه سخن و عمل شان یکی است.

اول: برخی اصلاح طلبان رادیکال سال هاست مدافع سرسخت مذاکره و کنار آمدن با آمریکا هستند و می گویند در هر حالتی باید با نمایندگان این کشور سر میز مذاکره نشست و

نظر آنها را تامین کرد، وگرنه راهی جز جنگ در مقابل مان نیست. مصطفی تاجزاده از مدافعان این نظریه است و می گویند در شرایط تحریم اقتصادی چاره ای جز در پیش گرفتن یکی از این دو مسیر نیست. تاجزاده دکتری تراشیدن علت برای همه بدبختی های عالم در جریان دوری از آمریکا و تقابل با سیاست های این کشور دارد و در این مسیر از هیچ تلاشی مضایقه نمی کند. تاجزاده در این مسیر تنها نیست، برخی اعضای اصلی حزب اتحاد ملت هم کنار او هستند. هفته نامه صدا ارگان رسمی این حزب هفته گذشته خود را به سمبل این ماجرا تبدیل کرد و آنقدر علنی به دفاع از این ایده پرداخت که تنها چند ساعت بعد از انتشار به علت حرکت خلاف منافع و امنیت ملی کشور توقیف شد. صدا «دوره ای جنگ و صلح» را به عنوان تیترو اصلی خود انتخاب کرد و با به نمایش درآوردن ناوهای آمریکایی گام مهمی در القای ترس به مردم جامعه برداشت. ارگان رسمی حزب کارگزاران که البته سعی می کند کمتر در کنار این جریان قرار بگیرد، اما هفته گذشته به نوعی مذاکره برد-باخت آمریکا با ایران را تنها راه باقیمانده برای ایران پیش از جنگ به توصیف درآورد و به قلم احمد تقیپناه آن را تئوریزه کرد.

این پازل اما با اظهارات اخیر حسین موسویان، عضو تیم مذاکره کننده هسته ای در دوران اصلاحات کامل می شود. روزنامه ایران در هفته اول اردیبهشت ماه یعنی همان زمانی که موضع عدم تمدید معافیت های تحریمی خریداران

نفت ایران داغ بود، به قلم موسویان یک صحنه وحشتناک و سراسر ترس را پیش روی ایران قرار می دهد و می گویند هرچه سریع تر باید با ترامپ وارد مذاکره شویم، وگرنه معلوم نیست چه خواهد شد. او تلاش می کند ترامپ را جدای از بولتون، پمپئو، نتانیاهو و بن سلمان و بن زاید معرفی کند و بگوید این تفاوت باید مانی ورود به مذاکره باشد. در همین ایام هم البته عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت اصلاحات با توثیت خود که می گفت «زمان مذاکره و استفاده بیشتر از دیپلماسی عمومی فرارسیده است» تلاش کرد ایده مذاکره با ترامپ را تقویت کند. **دوم:** این گروه را «مانظران جو بایدن» نامیده ام؛ اصلاح طلبانی که تا پیش از این گمان می کردند گزینه نهایی دموکرات ها برنی سندرز است و حالا امید دارند که با آغاز کمپین انتخابات معاون اوپاما و پیروزی احتمالی وی در انتخابات ۲۰۲۰ مسیر مذاکره و تعامل با آمریکا باز شود. این گروه اقدامات خارق العاده ای انجام می دهند؛ مثلاً از ۱۰ هزار کیلومتر دورتر از واشنگتن و نیویورک به استقبال ورود جو بایدن به انتخابات آمریکا می روند و او را عکس جلد روزنامه خود می کنند. اینها به واقع کسانی هستند که در سطح کلان تری آمریکایی ها را خوب و بد می کنند. اینها ترامپ و بوش و دیگر جمهوری خواهان را دیوانه توصیف می کنند و اوپامای اتوکشیده را اهل تعامل و توافق آن هم از نوع «برد-برد» ش می دانند و احتمالاً همچنان اعضای کری را یک تضمین و به مردم توصیه می کنند که استخوان لای زخم

باقی بمانید تا یک سال و نیم دیگر که انتخابات شود، دموکرات ها ببرند و ایران از این گرفتاری خارج شود.

سوم: دارودسته محمود احمدی نژاد که اخیراً محمد سرفراز نیز قطعه ای از پازل آنها شده، گروه سومی هستند که کشور را در آستانه فروپاشی و جنگ تصویر می کنند. رئیس سابق صدا و سیما که امروز به نقطه مشترکی با بهاری ها رسیده و آن دلخوری از سپاه پاسداران است، اخیراً با یکی از رسانه های محمود احمدی نژاد به گفت وگو نشست و این گونه اظهار نظر می کند که در اثر سوءمدیریت داخلی کشور تضعیف شده و آمریکایی ها هم آماده اند تا بعد از ماه رمضان به ایران حمله کنند.

این سه گروه با توصیفات گفته شده از مسیرهای مختلف به یک نقطه می رسند و آن نقطه جایی نیست جز آنجا که باعث تشدید فشارها و تحریم های ایران می شوند. آنها اولاً در بدنه کشور نسبت به آمریکا تردید ایجاد می کنند و با این دودستگی وحدت در مقابل اقدام آمریکا را به هم می ریزند، ثانیاً آنها وحدت رویه امروز مسئولان در ایستادگی و فشار به طرف غربی برای اجرای تعهدات برجامی را هم هدف گرفته اند و با نظریه پردازی های خود در این میان گسست ایجاد می کنند، ثالثاً آنها به دشمن گرا هم می دهند که در ایران برای مقابله و ایستادگی داشت و نوشت که برخلاف آنچه گفته شده، اصلاح طلبان در خط مقدم دفاع از ایران هستند. کمر استدلال در این نوشته کوتاه آنجا شکست که قوچانی منتقدان برجام را عامل وضع موجود دانست و مدعی شد این آشنی است که آنها پخته اند. گویی این منتقدان بودند که در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده شرکت کرده، برگه های رأی را به نام ترامپ به صندوق انداخته و او را در صدر کاخ سفید نشانده اند. استدلال مرکزی این متن اما ناظر به یک ایده بود؛ اختلاف افکنی میان دشمن. بماند که هیچ توضیحی هم در این باره داده نشده بود که مثلاً ترامپ چرا باید به خاطر ایران، گروه B را دور بزند و مذاکره با ایران چه آورد خصوصی برای او به دنبال خواهد داشت تا صرفه در بولتون و پمپئو و باقی رفقا را نادیده بگیرد؛ کسانی که اتفاقاً به خاطر تند نبودن مواضع قبلی ها نسبت به ایران به میزان کافی، جایگزین آنها شده اند. جواد امام،

فعال سیاسی اصلاح طلب هم در این باره داده نشده بود که مثلاً ترامپ چرا داد دوگانه جنگ- مذاکره را این طور صورت بندی کند که در یک سوی آن مخالفان برجام و کاسبان تحریم که حاضرند به خاطر منافع شان کشور را به آتش بکشند نشسته اند و سوی دیگرش مخالفان جنگ و طرفداران آرامش. او در این مناظره صحنه ای می سازد و در خلال آن می گویند برجام سایه جنگ را از سر ایران برداشت و حالا هم دوباره باید به توافقی برسیم تا جنگ نشود. او در این مذاکره می گوید که ما ترسو نیستیم، اما برای ایران می ترسیم و نمی خواهیم مانند کشورهای منطقه شویم و اظهار می کند: «منی خواهیم آخر کار مانند افغانستان، سوریه و... مجبور شویم وقتی کار از کار گذشت، دوباره پای مذاکره بنشینیم». او در این بین جریان سوم هم بیکار ننشسته، چراکه آنها

ملت می رسد، او درباره نگرانی ها از وقوع جنگ سخن می گویند و تلویحا راه تعامل را گره گشای این چالش عنوان می کند، از طرفی این موضع از سوی فیاض زاهد با صراحت بیشتری عنوان می شود و او هم در مقابل جنگ راه مذاکره با آمریکا را پیشنهاد می دهد. بعد از این دیدار مصطفی تاجزاده در مناظره ای که با سیدمحمد نبویان داشت، دوباره تلاش کرد تئوری دزواهی جنگ با مذاکره را با دانشجویان در میان بگذارد و بگوید که برای فرار از متجارب جنگ مجبوریم به میز مذاکره با آمریکا

توجیه ترس

امام همچنین در گفت وگویی در این باره گفت: «این دست افرادی که چنین مطالبی را منتشر می کنند، خودشان جزء کاسبان تحریم هستند؛ همان افراد بزدلی که در دوران دفاع مقدس از جبهه ها فراری بودند و امروز به دنبال این هستند که کشور را به ورطه جنگ و نابودی بکشاند.» رئیس دفتر رئیس بنیاد باران البته توضیح نداد که پیشکش کردن مولفه های قدرت به طرف مقابل اساساً چه میزان می تواند در جلوگیری از جنگ کارآمد باشد و اگر هست چرا در برجام تاثیر گذار نبود و حالا سه سال بعد از برجام چرا همچنان او و باقی رفقا سایه جنگ را بر سر خود حس می کنند؟ مصطفی تاجزاده هم با بازنشر تصویری که به نظر می رسد مربوط به یکی از شهرهای جنگ زده سوریه باشند، بدون اشاره به توانمندی های نظامی ایران تلاش کرد این طور القا کند که ایران بعد از جنگ به یک ویرانه تبدیل خواهد شد. عبدالرضا داوری، از سیاسیون نزدیک به رئیس جمهور سابق اما از زاویه ای دیگر سعی کرد با کاسبان ترس فروشی مرزگذاری کند. داوری با انتشار توثیتی تسخیر سفارت آمریکا توسط اصلاح طلبان و چپی های خط امامی سابق را علت العلل همه بحران های کشور در ۴۰ سال اخیر دانست و در اشاره ای کنایه آمیز با بیان اینکه نه باید از مذاکره با آمریکا بترسیم و نه از سر ترس با آمریکا مذاکره کنیم، مدعی شد رابطه با آمریکا منافع نامشروع انگلیس، اروپا، رژیم صهیونیستی و غلامحسین کرباسچی هم بدون هیچ گونه استدلالی موارد یادشده در این گزارش را یکسره دروغ دانست و گفت اساساً این قبیل مطالب ارزش خبری و روزنامه نگاری ندارند.

جواد امام  **دنیال کسبک**  **#فرهیختگان!!!**
#با عاین دوران دفاع مقدس
#کاسبان تحریم
#با همان مخالفین برجام
امروز برای حفظ قدرت وابجنادسجام، بقای خویش را در ایجاد جنگ می بینند!
بلی ما برخلاف شماکه حاضرید برای منافعتان کشور راه آتش بکشید!
بافتخار اعلام میکنم
#مخالفتان جنگ و خواهان آرامش مردم وک شوریم

برویم. او در این مناظره صحنه ای می سازد و در خلال آن می گویند برجام سایه جنگ را از سر ایران برداشت و حالا هم دوباره باید به توافقی برسیم تا جنگ نشود. او در این مذاکره می گوید که ما ترسو نیستیم، اما برای ایران می ترسیم و نمی خواهیم مانند کشورهای منطقه شویم و اظهار می کند: «منی خواهیم آخر کار مانند افغانستان، سوریه و... مجبور شویم وقتی کار از کار گذشت، دوباره پای مذاکره بنشینیم». او در این بین جریان سوم هم بیکار ننشسته، چراکه آنها

هم به هر نحوی تلاش می کنند بگویند با باید جنگ کنیم یا با ترامپ مذاکره. عبدالرضا داوری این روزها سخت مشغول تویتر بازی برای توسعه این ایده است و برای مثال می نویسد: «خبر ارسال شماره تلفن #ترامپ به مقامات ایران، امروز بازار ارز و طلا را نزولی کرد و در بورس هم صف فروش شکل گرفت. بر همین مبنا در آینده هم خبر مذاکره نماینده ایران با ترامپ به شدت بازارها را دچار شوک می کند که دلار چهار هزار تومانی و سکه ۱/۵ میلیون تومانی اولین عوارض آن است.»

کاربران شبکه های اجتماعی در برابر #کاسبان ترس

گزارش روز یکشنبه «فرهیختگان» با عنوان «کاسبان ترس فروشی» همان طور که انتظار می رفت، بازخورد های زیادی در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی به دنبال داشت؛ بازخوردهایی که عمدتاً با هشتگ #کاسبان ترس به چشم می آمد. این موضوع حکایت از آن داشت که مدافعان این ایده کم نیستند و هریک از آنها از زوایه ای متفاوت به آن می نگرد. گروهی سناریوی جنگ-مذاکره را به بهره برداری های سیاسی انتخاباتی گره زدند و آن را تلاشی برای پر کردن سبد آرای این افراد خواندند؛ سبدی که روزی با ترس فلان رقیب انتخاباتی، روزی با ترس از دیوار کشی در خیابان ها، روزی دیگر با ترس از عدم امضای برجام و روز دیگری هم با ترس از جنگ پر می شود. براساس این نگاه، طیف کاسب ترس عمدتاً هر بار در بزنگاه انتخابات ها از نمد جنگ برای خود کلاه می دوخته اند و بر خر مراد سوار شده اند. گروهی دیگر آن را ابزاری برای توجیه مجموعه ناکارآمدی ها در بلشوی اقتصادی کنونی کشور تلقی کردند و گزینه نسبت دادن نوسانات اقتصادی به تهدید جنگ از سویی و ایجاد مطالبه مذاکره مجدد برای بهبود اوضاع و پیشگیری از

پارسا دیامانی @parsi73 دنیال کسبک  #کاسبان ترس بادوگانه نخ نمای جنگ صلح می خاهندباکارآمدی تاریخی خوددراداره کنسورانبها ت کنند.درست است که هراس ازروانی مدیریت لیرال،فقط درمیانسه رابم افکن های آمریکایی قابل سنجش است امااین هک حقیقت است که مردم بی تدبیری واقعی راه جنگ خیالی ترجیح نخواهندداد.	پهلوان بیبه @pahlavanbi دنیال کسبک  قبلا میگفتن تفرقه بنداز حکومت کن ولی الان میکنی بترسون کار خودت رو بکن #کاسبان ترس	کوبر @kobra232023 دنیال کسبک  چندین سال برجام را عامل پیشرفت معرفی می کردند حالا برای سربوش گذاشتن بر ناتوانی خود طبل جنگ می کوبند و مردم را می ترسانند #کاسبان ترس مردم ایران بلف جنگ آمریکا را می دانند و بی تدبیری شما را در اداره کشور نیز تشخیص می دهند	ف سین حقانی @Vashame72 دنیال کسبک  ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱	سید ناچ الدین @sachad دنیال کسبک  اصلاح طلبان همیشه در بزنگاه های قدرت و منفعت با طرح سایه جنگ به مراد سیاسی خود رسیدند و همیشه ناکارآمدی خود را در غبار دروغ بزرگ جنگ و لزوم مذاکره پنهان کردند. #کاسبان ترس	هفته نامه صدا سناریویی رو کلید زد که اصلی ترین هدفش انداختن خوف به جون مردم و استفاده ابرار از اونه دنیال کسبک  #کاسبان ترس	نوبت مسیحیضی @mohajer_nam دنیال کسبک  پمپئو از ترس اقدام سپاه علیه نیروهای آمریکایی تو عراق و منطقه خودش به دست و پای عراقی ها انداخته بعد اینجا لیبرالهای وطنی ترس را بر مولای خیالی آمریکا رو به مردم القا میکنن تا بارز برن مذاکره کنن برجام بسارن #کاسبان ترس
---	---	--	---	--	---	--

پیوند اصلاح طلبان

واحمدی نژادی ها در کاسبی ترس

سرسختانه خود با مذاکره را ابراز داشت، رسانه های نزدیک به دولت به ویژه همان هایی که سنگ مذاکره با آمریکا را به سینه می زنند، ترجیح دادن این بخش از اتفاقات جلسه یادشده را سانسور کنند یا حداقل به حاشیه ببرند تا حتی الامکان نام و ردی از این نظر و موضع قاطع حسن روحانی برجای نگذارند. آنچنانکه «فرهیختگان» روز بعد از نشست رئیس جمهور با فعالان سیاسی کسب اطلاع کرد، در میانه مراسم زمانی که نوبت به صحبت های دبیرکل حزب اتحاد

موضوع مذاکره با آمریکا در روزهای اخیر و حتی بعد از موضع گیری قاطع مقامات رسمی کشور از جمله رئیس جمهور و وزیر امور خارجه، همچنان در دستور کار افراد و گروه های یادشده قرار دارد، به صورتی که از هر محلی برای بیان ایده و نظر خود استفاده می کنند و در این بین حتی ابایی از سانسور رئیس جمهور هم ندارند. زمانی که حسن روحانی با فعالان سیاسی دیدار کرد و در پاسخ به نظر دو تن از اصلاح طلبان (که ظاهراً علی شکوری زاد و فیاض زاهد بوده اند)، مخالفت جدی و

